

در پی بازنشر فیش حقوقی یک نیروی خدماتی بانک؛

از یک فیش حقوقی تا فیش دیگر؛ تفاوت از زمین تا آسمان!

علم بهتر است یا ثروت؛ دیگر آنقدر نخ نما شده که پس از چند دهه، جواب متفاوتی را با قدرت خواهید شنید. حالا برملا شدن فیش یک نیروی خدماتی بانک، واکنش معلمان را در فضای مجازی برانگیخته است.

به گزارش سایت خبری پرسون، فیش حقوقی ۱۵ میلیون تومانی نیروی خدماتی یکی از بانک های کشور در فضای مجازی بارها بازنشر شده است. انتشاری که آتش دل معلمان فرهیخته کشورمان را که با حقوق ناچیزی ماه ها و سال ها را پشت هم به سر می رسانند بیش از پیش افروخت.

حال در نظر بگیرید اگر برای شغلی همچون نیروی خدماتی، که نیاز چندانی به تحصیلات بالا و تخصص ندارد چنین مبلغی پرداخت می شود چرا پس برای گروه معلمان و آموزش دیده های کشورمان، با رقم ناچیزی در فیش حقوقیشان ماهشان را بسته و امنیت شغلیشان در هر آن در مضیقه مالیشان می سوزد.

علی حسین پور که مدرک کارشناسی ارشد دارد و آموزگار است در گفتگوی اختصاصی با «پرسون» می گوید که سالهاست قشر معلمان مشکل دارند و مشکلمان را با هر مسئولی که بیان کرده اند با تمام وعده هایی که داده شده است هنوز در اول راه مشکلات ایستاده ایم.

او در ادامه بیان می کند: «آن چیزی که ما را نگران می کند عدم سختی است که بین تحصیلات و تخصص در مشاغل مختلف با حقوق دریافتی شان قرار دارد. اگر یک نیروی خدماتی ۱۵ میلیون حقوق می گیرد، پس یک معلم چرا ۳ تا ۵ میلیون حقوق دریافت می کند؟ کجای این پرداخت، عادلانه است؟ با این حقوق چگونه می توانیم در حال یادگیری و آموزش باشیم؟ ما مشکلات کشورمان را درک می کنیم ولی وقتی از یکسو چنین پرداخت هایی برملا می شود، بی اعتنایی به خودمان را به روشنی می بینیم.»

در تصویر فیش حقوقی مورد اشاره مشاهده می شود که حقوق یک پیشخدمت نظام بانکی در مرکز یکی از استان های کشور نزدیک ۱۵ میلیون تومان است که پس از کسر رقمی نزدیک به ۶ میلیون و ۶۷۰ هزار تومان از آن، در مجموع چیزی حدود ۸ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان به این پیشخدمت پرداخت می شود.

حالا انتشار این تصویر فیش حقوقی در فضای مجازی اعتراض ها و انتقادهای فراوانی را به وجود آورده است. به ویژه از سوی دبیران آموزش و پرورش که ماه ها و چه بسا سالهاست در رابطه با حقوق دریافتی خود معترض هستند و عقیده دارند باید حقوق بیشتری به آنها پرداخت شود.

معلمان بسیاری در فضای مجازی این تفاوت رقم در حقوق پرداختی را منصفانه ندانسته اند.

یکی از کاربران فضای مجازی گفته است: «ظاهر ما باید اول فیش حقوقیمان را می دیدیم بعد شغلیمان را انتخاب می کردیم.»

یا کاربر دیگری در توییتر گفته است: «همه ما به فکر شغل دوم و سوم هستیم و اگر معلمی سرپرست خانواده اش باشد هشتش گرو نهش است.»

معلم دیگری اینطور نوشته است: «دیگر شغل معلمی در رویای کودکان یافت نمی شود. رویای روشنی که در بزرگسالی و در زمان خدمت، جز رنج و عذاب چیزی برایمان نیاورد و اگر عشقمان به این شغل انبیایی نبود هزاران بار رهایش کرده بودیم.»

در همین رابطه سلیمه خانجانه یکی از معلمان رتبه یک با مدرک دکتری است که می گوید: «اینکه می بینم حقوق یک پیشخدمت بانکی چیزی حدود ۴ و شاید هم بیشتر از حقوق من آن هم با مدرک دکتری است، واقعاً از خود و شغلم ناامید می شوم.»

او افزود: «هزینه های زندگی به شدت بالا رفته و با حقوقی که از طریق معلمی دریافت می کنم اصلاً نمی توانم امورات زندگی را بگذرانم. به همین خاطر در حال حاضر شغل دوم اختیار کرده ام و وقتی که باید صرف مطالعه و ارتقای دانش خود برای افزایش کارایی آموزشی و پرورشی کنم، صرف انجام وظایف شغل دوم می کنم.»

به هر صورت این که حقوق یک معلم آن هم با مدرک کارشناسی ارشد و یا دکتری و نیز با توجه به اهمیت بالای شغل در جامعه کمتر از ۵ میلیون تومان باشد ولی از آن سو حقوق یک پیشخدمت بانکی چیزی حدود ۱۵ میلیون تومان محاسبه و پرداخت شود، مصداق بارز بی عدالتی و محاسبات غلط شیوه های پرداخت حقوق و مزایا است که سالهای سال است در جامعه ما وجود دارد و گویا کسی توان مقابله با آن را ندارد!

همانطور که اشاره شد این مسئله تنها اختصاص به معلم ها ندارد و بسیاری از کارمندان تحصیل کرده و متخصص بخش های خصوصی و دولتی نسبت به چنین پرداختی های خارج از عرف که در نظام بانکی کشور ساری و جاری است معترض هستند، اما معلم ها در این رابطه پیشقدم شده اند.

پیش قدم از آن جهت که می دانیم آنها در مقاطع مختلف مثل برنامه هایی که در گذشته داشتند و به حتم تا زمان وصول حق و حقوق منصفانه ای ، دوباره باید مشکلات خود را بیان کنند تا بلکه گوش شنوایی به درد دل این قشر فرهیخته گوش کند،، تجمع حضوری و مجازی در اعتراض به همین فوق العاده ویژه فرهنگیان و نیز رتبه بندی برگزار کرده اند ولی هنوز موفق به حصول نتیجه مطلوب نشده اند.

با شرایطی که مورد اشاره قرار گرفت امید این است که در ادامه و توسط مسئولان اقتصادی و برنامه ریز دولت جدید شاهد تغییر و تحول جدید و تازه ای در نظام پرداخت ها باشیم و تا حدودی این رویه تبعیض آمیز جای خود را به رویه های عادلانه و متناسب با تحصیلات و تخصص افراد در سمت های مختلف بدهد.

باید منتظر بمانیم و ببینیم آیا چنین شرایطی در آینده ای نزدیک به وجود خواهد آمد و یا پرداخت های ناعادلانه همچنان مثل سال و دهه های قبل استمرار خواهد یافت؟ استمراری که به معنای پاشیدن بذر ناامیدی بین قشر تحصیلکرده و افت جامعه آموزشی در کشورمان می باشد.

با این حال؛ فرهنگ سازی یک جامعه در اولویت دیگر نیازهای افراد این سرزمین خاکی خواهد بود، چرا که پیشرفت کشوری متمدن همچون ایران مستلزم درک و توجه بهتر و بیشتر به فرهنگ و باورهای جامعه است. باوری که آسیب بیند، سر برافراشتنش برای دوباره، هزاران سال زمان طلب خواهد کرد. پس مسئولانی که دستی برای کمک دارید از آستین بیرون آورید که مهمترین باورهای ارزشی خاکمان در تهدید بی عدالتی، خزان دیده شده است.